

تحلیل کامل و تست به تست دفترچه اختصاصی زبان انگلیسی

کد A521

آزمون اختصاصی سراسری و پذیرش دانشجو و معلم سال ۱۴۰۵

تحلیل توسط: استاد عباسی

آدرس کانال تلگرام: @Grammar_Takhasosi

Part A: Grammar

سوالات ۱ تا ۱۵ — گرامر

سؤال ۱ پاسخ: ۱

ترجمه: در نبرد بر سر نحوه نجات یورو، آلمان اهرم‌های فشار زیادی دارد اما دوستان زیادی ندارد.

گزینه صحیح (many): اسم friends جمع و قابل شمارش است و در جملات منفی از many استفاده می‌شود.
much و so much فقط برای اسامی غیرقابل شمارش به کار می‌روند؛ SO نیز قید است و پیش از صفت یا قید می‌آید، نه مستقیماً پیش از یک اسم جمع.

سؤال ۲ پاسخ: ۱

ترجمه: نقش مرکزی این نمایش به زیبایی توسط بانوی جوانی ایفا شده است که به زودی درباره او مطالب بیشتری خواهید شنید.

گزینه صحیح (whom): پیش از ضمیر موصولی حرف اضافه about آمده است؛ بعد از حرف اضافه برای اشاره به انسان، تنها ضمیر موصولی مفعولی whom مجاز است. whose ضمیر موصولی ملکی است و نیازمند یک اسم بلافاصله بعد از خود است (مثل her؛ whose book و hers ضمائر مفعولی/ملکی شخصی‌اند و نقش ربط دهنده‌گی جمله‌واره موصولی را ندارند).

سؤال ۳ پاسخ: ۴

ترجمه: او بچه‌های ۱۲ ساله را مسئول کرد و به آن‌ها گفت بچه‌های کوچک‌تر را تنها نگذارند.

گزینه صحیح (not to leave): ساختار استاندارد نقل قول امری منفی: tell + object + not to + base verb

سؤال ۴ پاسخ: ۲

ترجمه: دانش‌آموزان سخت درس خواندند و برای نمرات جنگیدند، فقط برای اینکه بفهمند شغل‌های کمی به‌عنوان پاداش وجود دارد.

گزینه صحیح (studied hard): کلمه hard قید حالت به‌معنای «با تلاش و سخت» است و بعد از فعل اصلی می‌آید.
hardly قید مقدار به‌معنای «به‌سختی/تقریباً هیچ» است و معنی جمله را برعکس می‌کند؛ by studying hard و studying hardly ساختار جمله را فاقد فعل درست می‌سازند.

سؤال ۵ پاسخ: ۳

ترجمه: او گفت که پیشنهاد موقعیت شغلی دیگری در شرکت به‌عنوان ناشر عمده کتاب و مجلات به او داده شده بود.

گزینه صحیح (had been offered): چون پیشنهاد شغل پیش از said (فعل پایه گذشته) رخ داده، طبق تطابق زمان‌ها باید از گذشته کامل مجهول استفاده شود.

سؤال ۶ پاسخ: ۳

ترجمه: من و دوستانم مجبور نیستیم هر روز یکدیگر را ببینیم، چرا که این آگاهی که همیشه پشت یکدیگر هستیم، پیوند دوستی را بین ما حفظ می‌کند.

گزینه صحیح (do not have to): بیانگر «عدم اجبار/نیازی نبودن» است که با معنای جمله هم‌خوانی دارد. must not به‌معنای ممنوعیت است؛
should not نصیحت منفی می‌دهد؛ should not have ساختار پشیمانی در گذشته است که با زمان حال جمله مغایرت دارد.

سؤال ۷ پاسخ: ۱

ترجمه: این یک کتاب سفرنامه درباره شهری خیالی اما کاملاً باورپذیر است، و به این عنوان، جایگاه خاص خود را در میان عجایب ادبیات خواهد داشت.

گزینه صحیح (as such): اصطلاح گرامری به‌معنای «به این عنوان/به همین اعتبار» که به توصیف قبلی شهر/کتاب برمی‌گردد.

such as برای ذکر مثال به کار می‌رود؛ as so و so as ترکیب گرامری معتبری در این جایگاه نیستند.

سؤال ۸ پاسخ: ۴

ترجمه: یک زن روز چهارشنبه در ساحل جونز احتمالاً توسط یک کوسه گاز گرفته شد، در آنچه یک مقام رسمی آن را اولین حمله از این دست در نزدیک به دو دهه خواند.

گزینه صحیح (most likely): قید به معنای «به احتمال زیاد/احتمالاً» است که صفت مفعولی bitten را توصیف می‌کند. more likely than ساختار مقایسه‌ای است که در اینجا به آن نیازی نداریم؛ the most likely صفت عالی است نه قید؛ likely more ترتیب طبیعی قیدها را رعایت نمی‌کند.

نکته: اصطلاح: most likely = به احتمال زیاد

سؤال ۹ پاسخ: ۲

ترجمه: او با اشاره به ناکامی کنگره در تصویب قانون‌گذاری بانکی در سال گذشته گفت: «وقت آن رسیده است که آن‌ها مسئولیت خود را بپذیرند».

گزینه صحیح (stepped up to): طبق قاعده It's about time + subject، فعل باید به صورت گذشته ساده بیاید.

had step up ساختار گذشته کامل غیرمجاز و شکل فعل نادرستی دارد؛ have step up زمان حال کامل با فعل غلط است؛ step up زمان حال ساده است که بعد از این ساختار نمی‌آید.

سؤال ۱۰ پاسخ: ۱

ترجمه: بعد از مدتی، به نوشتن داستان‌های کوتاه عادت کردم، بنابراین سوژه‌هایم را از آن زاویه دیدم و حالا فکر نمی‌کنم هرگز رمانی بنویسم.

گزینه صحیح (got used to): ساختار V-ing + get used to بیانگر عادت تدریجی کردن به یک کار است.

used to + base verb برای عادت رهاشده در گذشته است، نه فعل -ing-دار؛ having used و used to getting ساختارهای نامعتبری هستند.

سؤال ۱۱ پاسخ: ۳

ترجمه: جک ممکن است با من درباره دوری از زمین مسابقه برای مدتی موافق نباشد؛ اما من ترجیح می‌دهم امسال فوتبال بازی نکند و فقط روی بهبودش تمرکز کند.

گزینه صحیح (rather he didn't): ساختار ترجیح دادن رفتار دیگری: would rather + subject + Past Simple.

باقی گزینه‌ها کاملاً نادرست هستند و شکل استاندارد ندارند.

سؤال ۱۲ پاسخ: ۴

ترجمه: من در شمال اسکاتلند در روزی متولد شدم که بریتانیایی‌ها با خوش‌بینی آن را یک روز تابستانی می‌نامند، ۶ ژوئن ۱۹۴۱، سه سال پیش از روز دی.

گزینه صحیح (were wont to): اصطلاح رسمی be wont to do sth به معنای «عادت داشتن/مرسوم بودن» در زمان گذشته.

had wont فاقد فعل be است؛ wont فعل کمکی گذشته (were) را ندارد؛ were to wont ترتیب کلمات نادرستی دارد.

نکته: wont (صفت رسمی، به معنای عادت‌کرده) با want اشتباه گرفته نشود

سؤال ۱۳ پاسخ: ۳

ترجمه: من فروشگاه محلی را دفتر کار عملاً خود قرار می‌دهم، ساعت‌ها متوالی کنار دستگاه کپی معطل می‌شوم و سپس مقاله‌ای را، مثلاً، به نیویورک فکس می‌کنم.

گزینه صحیح (on end and then faxing an article, say, to): اصطلاح for hours on end (ساعت‌ها متوالی) به همراه قید معترضه say

به معنای «مثلاً برای نمونه». همچنین faxing برای ما ساختار موازی ایجاد کرده که به آن باید دقت کرد.

سؤال ۱۴ پاسخ: ۱

ترجمه: به زودی، موجی از مردم بیش از شش ماه بیکار خواهند بود که آستانه بیکاری بلندمدت است.

گزینه صحیح (*will have been out of work for more than six months*): فعل اصلی به شکل آینده کامل (*will have been*) به همراه عبارت قیدی طول زمان استاندارد آمده است. *with more than six months* با قرارگیری پیش از فعل، جمله را گنگ و غیرطبیعی می کند؛ *having been out of work* و *for more than six months having been* فاقد فعل اصلی (*Main Verb*) هستند.

سؤال ۱۵ پاسخ: ۲

ترجمه: وقتی روز فارغ التحصیلی فرا برسد، مطمئنم فهرست بلندی از افرادی خواهد بود که باید از آن ها تشکر کنم.

گزینه صحیح (*Come the day of graduation, I am sure*) درست: ساختار *Come + noun* به معنای «وقتی [زمان X] فرا برسد». این ساختار در واقع نوعی شرطی به نام شرطی استنباطی با حروف اضافه هست. در اینجا *come* در نقش حرف اضافه قرار گرفته است و معنای مشابه *when* دارد. مشابه این ساختار در ارشد زبان با *absent* به کار رفت که در دوره تحلیل شد.

Part B: Vocabulary

سوالات ۱۶ تا ۳۵ واژگان

سؤال ۱۶ پاسخ: ۲

ترجمه: اتفاقی که افتاد موضوعی جدی بود؛ چیزی نیست که به راحتی فراموش شود.

(۱) مضطرب / نگران / مشتاق

(۲) جدی / بااهمیت / وخیم

(۳) باهوش / زرنگ / شیک

(۴) آسوده خاطر / آرام

نکته: *همایندی: a serious matter*

سؤال ۱۷ پاسخ: ۴

ترجمه: دانشمندان کشف کردند که چگونه درختان از یک دانه کوچک به یک گیاه بزرگ رشد می کنند.

(۱) پرورش دادن / بزرگ کردن / بالا بردن

(۲) فرستادن / ارسال کردن

(۳) محافظت کردن / نگه داشتن

(۴) رشد کردن / روییدن

نکته: *raise* فعل متعدی و نیازمند مفعول است؛ *grow* در این جمله فعل لازم است

سؤال ۱۸ پاسخ: ۴

ترجمه: او توانایی فوق العاده ای دارد: او شخصیت مشتریانش را از طریق عکس هایشان درک می کند.

(۱) امید / آرزو

(۲) انتظار / توقع

(۳) اعلامیه / اطلاعیه

(۴) توانایی / استعداد / قابلیت

سؤال ۱۹ پاسخ: ۳

ترجمه: او یک آشپز حرفه‌ای است و می‌تواند تنها با چند ماده اولیه یک غذای عالی درست کند.

(۱) نامحدود / بدون محدودیت

(۲) ثروتمند / پولدار

(۳) عالی / فوق‌العاده / درجه یک

(۴) متشنج / تنش‌زا / کشیده

سؤال ۲۰ پاسخ: ۲

ترجمه: امروزه دولت‌ها در جستجوی راه‌حلی برای دفع پسماند در مناطق کلان‌شهری هستند.

(۱) حل کردن / رفع کردن

(۲) جستجو کردن / به دنبال چیزی بودن

(۳) زنده ماندن / دوام آوردن

(۴) گردآوری کردن / انباشتن / ذخیره کردن

نکته: هم‌پندی: seeking a solution

سؤال ۲۱ پاسخ: ۲

ترجمه: با تشدید تغییرات ساختاری اقتصاد جهانی، یک چرخش مشخص از همبستگی اجتماعی به سمت رقابت عمومی در جامعه رخ داده است.

(۱) ارزیابی / سنجش / برآورد

(۲) تغییر / جابجایی / تحول

(۳) انتقال / ارسال (داده یا انرژی)

(۴) پناه بردن / تفریحگاه / تفرجگاه

نکته: ترکیب: a shift from X to Y

سؤال ۲۲ پاسخ: ۱

ترجمه: آثار نرخ‌های بالاتر بهره در سراسر جهان از جمله آسیا آشکار شد، به‌طوری‌که برخی بخش‌ها بیش از سایرین تحت تاثیر منفی قرار گرفتند.

(۱) آشکار / مشخص / واضح / عیان

(۲) مشورتی / تعمقی / تأملی

(۳) محرمانه / سری

(۴) ساده لوح / زودباور / زودفريب

سؤال ۲۳ پاسخ: ۴

ترجمه: در راه بازگشت از کار، چند غریبه در خیابان به من نزدیک شدند و پرسیدند آیا وقت دارم از آن‌ها عکس بگیرم.

(۱) تحمیل کردن / اجبار کردن

(۲) مانع شدن / دشوار کردن / اخلاص کردن

(۳) اعتراض کردن / مخالفت کردن / تردید داشتن

(۴) نزدیک شدن / به سوی کسی رفتن

سؤال ۲۴ پاسخ: ۳

ترجمه: هزینه‌های طرح‌های جدید محیط‌زیستی یا تغییرات اقلیمی باید متناسب با منافع آن‌ها باشد؛ در غیر این صورت مقرون‌به‌صرفه نخواهند بود.

- (۱) قابل دفاع / موجه / پایدار
 - (۲) اقتصادی / صرفه‌جویانه / مقرون‌به‌صرفه
 - (۳) متناسب / هم‌تراز / مناسب (با چیزی)
 - (۴) مستعد / تأثیرپذیر / حساس (به چیزی)
- نکته: همراه با حرف اضافه *proportionate to*

سؤال ۲۵ پاسخ: ۴

ترجمه: ما در دبستان همکلاسی بودیم... چیزی در او در سال‌های حداثت تغییر کرده بود.

- (۱) داخلی / خودکشی‌وار / جنگ‌های بین‌قبیله‌ای
 - (۲) میانی / وسطی
 - (۳) تفکربرانگیز / مراقبه‌ای / تأملی
 - (۴) میانی / فاصله‌ای / سال‌های بین دو رویداد
- نکته: اصطلاح: *intervening years*

سؤال ۲۶ پاسخ: ۱

ترجمه: در حالی که بیشتر اشعار به تنهایی قائم به خود هستند، ترانه‌ها همراه و هم‌گام با موسیقی و در خدمت کل اثر وجود دارند.

- (۱) هماهنگی / کنار هم / همگام
 - (۲) نفوذ / تأثیر / سلطه
 - (۳) قانون / فرمان / آیین‌نامه
 - (۴) شادی / خوشی / سرمستی
- نکته: اصطلاح: *in tandem with*

سؤال ۲۷ پاسخ: ۲

ترجمه: ما نمی‌دانیم آیا توضیح ماری تمام حقیقت را می‌گوید یا نه، اما ظاهری باورپذیر و معقول دارد و نباید بلافاصله رد شود.

- (۱) لبه / لب / کناره
 - (۲) حس / آهنگ / طنین / لحن
 - (۳) حوزه / محدوده / گستره
 - (۴) حاشیه / کرانه / فاصله
- نکته: اصطلاح: *has a plausible ring to it*

سؤال ۲۸ پاسخ: ۳

ترجمه: حتی در یک کشور کاملاً دموکراتیک، دادگاه‌ها موظفند اراده اکثریت را زمانی که قانون اساسی را نقض کند، ناکام بگذارند.

- (۱) رقابت کردن / مسابقه دادن
- (۲) شرح دادن / توضیح دادن / تفسیر کردن
- (۳) خنثی کردن / ناکام گذاشتن / نقش بر آب کردن
- (۴) زیباسازی / آراستن / تزئین کردن

سؤال ۲۹ پاسخ: ۱

ترجمه: تغییری در طرز فکر لازم است تا خود را از این تصور غلط رها سازیم که هر چیزی کمتر از بهترین، موجب عدم تایید است.

(۱) رها کردن از باور غلط / آگاه کردن / متوجه کردن (در اصطلاح

(۲) تخلیه کردن / خالی کردن

(۳) محروم کردن / بی بهره کردن

(۴) محدود کردن / کوتاه کردن / کاهش دادن

نکته: همراه با حرف اضافه disabuse sb of sth

سؤال ۳۰ پاسخ: ۴

ترجمه: اگرچه آن‌ها به دلیل قیمت بالایش نمی‌توانند آن را بخرند، اشراف محلی شهر ارزش و اهمیت زیادی برای استیک زغالی قائل هستند.

(۱) ذخیره / موجودی / سهام

(۲) احترام / تکریم / ستایش

(۳) جاذبه / گرایش / کشش

(۴) ذخیره / انبار / فروشگاه

نکته: اصطلاح: set great store by

سؤال ۳۱ پاسخ: ۲

ترجمه: در نوعی تمرکز قفل شده و بی حرکت چنان شدید که در نه ساعت به زحمت ماهیچه‌ای را تکان دادم، شش فصل رمان را خواندم.

(۱) پیش‌گویانه / آینده‌نگر / آینده‌بین

(۲) بی حرکت / سخت و خشک / کاتاتونیک

(۳) ناله آمیز / غم‌انگیز / سوزناک

(۴) مصنوعی / جعلی / غیرطبیعی

سؤال ۳۲ پاسخ: ۳

ترجمه: این سوال به روش‌های گوناگون تا پرده پایانی مطرح می‌شود، جایی که در یک پایان خوش به شکل خنده‌داری اجباری، سرهم‌بندی می‌شود.

(۱) اخاذی کردن / به زور گرفتن / تهدید به گرفتن

(۲) جشن گرفتن / لذت بردن / مست کردن

(۳) سرهم‌بندی کردن / تصنعی درست کردن / دستکاری کردن

(۴) خداگونه شدن / تقدیس کردن / خدایی پنداشتن

سؤال ۳۳ پاسخ: ۳

ترجمه: کاروان عظیمی متشکل از حدود ۳۰۰ خودروی پلیس راهی مراسم تشییع جنازه افسر پلیس برزیلی می‌شود.

(۱) پست بی‌زحمت / شغل راحت با حقوق بالا

(۲) تأیید / پسند / تحسین

(۳) دسته / کاروان / صف تشییع جنازه

(۴) پیری / سالخورده‌گی

سؤال ۳۴ پاسخ: ۱

ترجمه: تغییر معنایی ذات توسعه زبان است؛ کلمات توسعه می‌یابند، متنوع می‌شوند و در جهات غیرمنتظره شتابان منحرف می‌شوند.

- (۱) حرکت تند و لرزان / چرخش / انحراف / منحرف شدن
- (۲) بنا نهادن / استناد کردن / پیش‌بینی کردن
- (۳) ریشه‌کن کردن / نابود کردن / قلع و قمع کردن
- (۴) تفریح کردن / خوش گذراندن / خود را سرگرم کردن

سؤال ۳۵ پاسخ: ۴

ترجمه: آن‌ها مفقود شده‌اند، اما همین‌جا هستند، زیر آوار، نخاله‌های ساختمانی، زیرساخت‌های فروپاشیده و خرابه‌ها.

- (۱) برحرفی / وراجی / زیادگویی
- (۲) آزمایش / دوره آزمایشی / آزادی مشروط
- (۳) حرفه / شغل تخصصی / فن
- (۴) آوار / خرده‌ریزه / بقایای خراب‌شده / زباله

Part C: Sentence Structure

سوالات ۳۶ تا ۴۰ ساختار جمله

سؤال ۳۶ پاسخ: ۲

گزینه صحیح (*The decision to hold the meeting online was declared at 9 o'clock.*): هسته فاعلی «The decision» + عبارت توصیفی «to hold the meeting online» + فعل مجهول درست «was declared at 9 o'clock» به ترتیب صحیح آمده است. گزینه ۱، ۳ و ۴ فعل declared را بدون مفعول به کار برده بنابراین باید مجهول می بود؛ گزینه ۴ نیز جمله اساسه فعلی ندارد.

سؤال ۳۷ پاسخ: ۴

گزینه صحیح (*Jack demanded that the information not be shared with the general public due to personal reasons.*): وجه التزامی منفی به درستی به صورت «not be shared» رعایت شده و عبارت حرف اضافه برای دلیل «due to personal reasons» صحیح است. در وجه التزامی از مصدر عربیان یا شکل ساد فل استفاده می شود رد گزینه های ۱ و ۲. در اینجا استفاده از since بی ربط است. نکته: قاعده Subjunctive: demand/insist/suggest + that + subject + (not) + base verb

سؤال ۳۸ پاسخ: ۳

گزینه صحیح (*...pending your decision on the matter, to accord us the treatment due to war prisoners.*): حرف اضافه pending به درستی بدون on آمده و عبارت صفت کاهش یافته «treatment due to war prisoners» کاملاً صحیح است. گزینه های ۱ و ۴ ترکیب نادرست «pending on» و «due for» ساخته‌اند؛ در گزینه ۲ دو جمله از طریق کاما به هم وصل شده که نادرست است (Comma Splice)

سؤال ۳۹ پاسخ: ۱

گزینه صحیح (*...and depending on which one of the many you consult, you get a different mix of phrases...*): گزینه ۲ فعل depends را بدون فاعل مشخص و ناهماهنگ با جمله بعدی به کار برده؛ گزینه ۳ و ۴ حرف اضافه اضافی (consult with) و فاعل مشخصی برای and is ندارد؛ دقت کنید که ساختار depending نیز در اینجا نوعی پارتیسیپل هست که برای بیان شرط دوباره استفاده شده است!!
If you choose one version, you will get a different result; if you choose another, you will get another result. =
Depending on which version you choose, you will get a different result.

سؤال ۴۰ پاسخ: ۲

گزینه صحیح (Having dwelled on the matter for some time, he concluded: ...to ensure it is timely and relevant to their needs.)
گزینه‌های ۱ و ۴ به اشتباه sometime (یک زمانی) را به جای some time (مدتی) نوشته‌اند؛ گزینه‌های ۳ و ۴ نیز insure (بیمه کردن) را به جای ensure (تضمین کردن) به کار برده‌اند.

Part D: Language Functions

سوالات ۴۱ تا ۴۵ کاربرد زبان

الف: هی، جوا چه خبر؟ اوضاع چطوره؟

ب: هی، دارل! خیلی وقته ندیدمت! خب، چند تا گلایه و شکایت دارم!

الف: فکر کنم دلیلش رو می‌دونم! شنیدم سمت جدیدت چندان تعریفی نداره (۴۱)

ب: تازه این نرم‌افزار جدید هم هست. من که اصلاً سر ازش درنمی‌ارم! (۴۲) ولی باید یادش بگیرم، وگرنه اخراج می‌کنن!

الف: به نظر میاد انتخاب زیادی نداری. ظاهراً بین بد و بدتر گیر کردی! (۴۳)

سؤال ۴۱ پاسخ: ۲

(۱): کار بیپه‌وده انجام دادن (معادل: زیره به کرمان بردن)

(۲): در حالت منفی: تعریفی نداشتن، فوق‌العاده نبودن

(۳): از فرصت استفاده کردن

(۴): زمان را متوقف کردن

سؤال ۴۲ پاسخ: ۱

(۱): گنگ، نامفهوم و غیرقابل درک

(۲): طبق رسم و عرف محل رفتار کردن

(۳): وقت‌گذرانی بی‌فایده در زمان بحران

(۴): اصطلاح نیست اصلاً!!!

سؤال ۴۳ پاسخ: ۴

(۱): به دل خطر رفتن، مستقیم با مشکل روبه‌رو شدن

(۲): ظاهر ترسناک اما در عمل بی‌خطر

(۳): آشپز که دوتا شد، آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک

(۴): بین بد و بدتر گیر افتادن، در تنگنا بودن

الف: سلام، آنجلا! درباره ترفیع دن شنیدی؟

ب: سلام، میندی. آره، شنیدم؛ و به نظرم اشتباه بزرگی بود!

الف: موافقم! دلیل ترفیعش این نبود که بهترین گزینه بود، بلکه رئیس با سم مشکل شخصی داشت! (۴۴)

ب: درست می‌گی! تازه، در مقایسه با پختگی و تجربه سم، این یارو هنوز خیلی بچه و بی‌تجربه‌ست! (۴۵)

سؤال ۴۴ پاسخ: ۱

۱) غرض شخصی یا خصومت داشتن

۲) در عوض

۳) در یک صف، طبق مقررات

۴) با کسی تسویه حساب داشتن

سؤال ۴۵ پاسخ: ۳

۱) کرم خاکی

۲) خواهر/برادر

۳) خیلی کم سن و سال، کوچک و بی تجربه

۴) فیل

نکته: اصطلاح knee-high to a grasshopper به معنای خیلی کم سن و سال و بی تجربه است.

Part E: Cloze Test

سوالات ۴۶ تا ۵۵

سؤال ۴۶ پاسخ: ۳

گزینه صحیح (being said): عبارت «This being said» یک مطلق ساز گرامری (Absolute Phrase) به معنای «با این وجود/با توجه به آنچه گفته شد» است که برای ایجاد تضاد و تعدیل لحن به کار می رود. having said حالت معلوم دارد ولی در اینجا به حالت شوندگی یا مجهول نیاز داریم. و گزینه ۱ برای بیان علت است که در اینجا بی ربط است. ساختار this as said در گزینه ۴ غلط است.

نکته: بر خلاف پارتیسیپل که فاعلش با جمله اصلی مشترک است، ساختار مطلق فاعل مستقل خودش را دارد. مثال:

The sun shining, we went to the beach.

فاعل = *the sun* مستقل از جمله اصلی است.

پارتیسیپل:

Having said this, we can analyze the trends.

فاعل → *we* از جمله ی اصلی می آید

سؤال ۴۷ پاسخ: ۴

۱) خشمگین کننده

۲) متوسط و معمولی (بی کیفیت)

۳) متوالی و پیایی

۴) میانه (شاخص آماری)

نکته: همبندی آماری: *median number* = عدد میانه

سؤال ۴۸ پاسخ: ۲

۱) تضعیف کردن

۲) تأکید کردن، زیر چیزی خط کشیدن

۳) زیر قیمت فروختن، خرابکاری کردن

(۴): به عهده گرفتن

سؤال ۴۹ پاسخ: ۱

گزینه صحیح (adds): فاعل جمله ضمیر مفرد This است و به فعل مفرد حال ساده نیاز داریم، رد گزینه ۴. در گزینه ۲، adding فعل نیست و جمله را بدون فعل می‌کند؛ بعد از جای خالی مفعول داریم در نتیجه به فعل مجهول نیازی نداریم رد گزینه ۳.

سؤال ۵۰ پاسخ: ۴

گزینه صحیح (referred to as): فعل refer با حرف اضافه to و سپس as برای معرفی عنوان می‌آید: refer to X as Y؛ شکل مجهول آن A is referred to as B هست.

سؤال ۵۱ پاسخ: ۲

- (۱): منقرض شده
(۲): مجزا، متفاوت و مشخص
(۳): مختصر و مفید
(۴): کاملاً همسان و یکسان

سؤال ۵۲ پاسخ: ۳

گزینه صحیح (very): صفت اشاره very وقتی مستقیماً قبل از اسم می‌آید (the very structure)، نقش تأکیدی دارد و به معنای «خود ساختار/دقیقاً همان ساختار» است.

سؤال ۵۳ پاسخ: ۱

گزینه صحیح (thanks to what has been termed): ترکیب حرف اضافه thanks to (به لطف) + جمله‌واره موصولی اسمی what has been termed (آنچه نامیده شده است). باقی گزینه‌ها از لحاظ معنایی بی ربط هستند.

سؤال ۵۴ پاسخ: ۲

- (۱): شوم و بدیمن
(۲): مرتبط، شایسته و به‌جا
(۳): خاشعانه و محترمانه
(۴): بسیار تنگ‌دست و فقیر

سؤال ۵۵ پاسخ: ۴

گزینه صحیح (The idea being that): ساختار مطلق اسمی «The idea being that» برای بیان فرض، مبنا یا استدلال پشت یک ادعا به کار می‌رود. گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ ترتیب اجزای ساختار مطلق را رعایت نکرده‌اند و نمی‌توانند جمله‌واره پیرو استدلالی را هدایت کنند. توضیح کاملتر در سوال ۴۶ موجود است.

Part F: Reading Comprehension

سوالات ۵۶ تا ۷۰ درک مطلب

متن ۱

سؤال ۵۶ کلمه زیر خطدار «it» در پاراگراف ۱ به کدام مورد اشاره دارد؟ پاسخ: ۱

دلیل پاسخ: در عبارت «and the fact that it was the home of the Industrial Revolution»، ضمیر it به فاعل اصلی پاراگراف یعنی قاره اروپا (Europe) اشاره دارد.

رد گزینه‌ها: globe (کره زمین)، trade (تجارت) و density (تراکم) هیچ‌کدام مهد انقلاب صنعتی نبوده‌اند.

سؤال ۵۷ کلمه زیر خطدار «solely» در پاراگراف ۲ از نظر معنایی به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟ پاسخ: ۳

دلیل پاسخ: کلمه solely به معنای «صرفاً/فقط» است و معادل دقیق آن merely می‌باشد.

رد گزینه‌ها: practically (عملاً)، ideally (به‌طور آرمانی)، necessarily (لزوماً).

سؤال ۵۸ طبق پاراگراف ۱، کدام گزینه درست است؟ پاسخ: ۴

دلیل پاسخ: جمله آخر پاراگراف اول صراحتاً می‌گوید که عوامل مذکور اروپا را به یکی از ثروتمندترین و قدرتمندترین مناطق جهان تبدیل کرده است (پیشرفته از نظر اقتصادی).

رد گزینه‌ها: گزینه ۱ می‌گوید مردم در مناطق روستایی اصلاً زندگی نمی‌کنند (غلط)؛ گزینه ۲ می‌گوید ۴ قاره پرجمعیت‌تر وجود دارد (غلط، تنها ۲ قاره آسیا و آفریقا پرجمعیت‌ترند)؛ گزینه ۳ می‌گوید قاره کوچک‌تر از اروپا وجود ندارد (اقیانوسیه/استرالیا کوچک‌تر از اروپا است).

سؤال ۵۹ کدام یک از موارد زیر در متن ذکر نشده است؟ پاسخ: ۲

دلیل پاسخ: در کل متن، نام هیچ قاره دیگری غیر از اروپا برده نشده است.

رد گزینه‌ها: رویداد نظامی (جنگ جهانی و جنگ سرد)، نام کشورها (روسیه، ترکیه، گرجستان) و رویداد اقتصادی (انقلاب صنعتی) در متن ذکر شده‌اند.

سؤال ۶۰ طبق متن، کدام یک از عبارت‌های زیر درست است؟ پاسخ: ۳

دلیل پاسخ: اشاره متن به تقسیم اروپا به «غرب سرمایه‌داری» و «شرق کمونیستی» در ۵۰ سال جنگ سرد نشان‌دهنده شیوه‌ها و ایده‌های متفاوت اداره جامعه است.

رد گزینه‌ها: گزینه‌های دیگر یا خلاف متن هستند یا در متن ادعایی درباره آن‌ها نشده است.

متن ۲

سؤال ۶۱ طبق پاراگراف ۱، کدام یک از موارد زیر در مورد زمین و خورشید درست است؟ پاسخ: ۱

دلیل پاسخ: متن ذکر می‌کند خورشید گازی است اما در هسته چگالی بسیار بالایی دارد؛ یعنی چگالی خورشید در بخش‌های مختلفش یکسان نیست.

رد گزینه‌ها: گزینه ۲ می‌گوید هسته زمین فشرده‌تر از خورشید است، در حالی که متن عکس آن را می‌گوید.

سؤال ۶۲ طبق پاراگراف ۳، کدام گزینه بهترین بیان‌کننده دیدگاه/نظر نویسنده درباره این ادعاست که «قطر زمین مشخص و معلوم است»؟ پاسخ: ۴

دلیل پاسخ: نویسنده بدون هیچ تردیدی قطر خورشید (۱,۴ میلیون کیلومتر) را ۱۱۰ برابر قطر زمین اعلام می‌کند، که نشان‌دهنده پذیرش و تأیید قطعی (Approval) است.

رد گزینه‌ها: Skepticism (تردید)، Disapproval (عدم تأیید)، Ambivalence (دودلی).

سؤال ۶۳ متن عمدتاً درباره چه موضوعی بحث می‌کند؟ پاسخ: ۱

دلیل پاسخ: محور اصلی متن معرفی خورشید (جرم آسمانی)، اجزای گازی آن، فرایند همجوشی (کارکرد) و ساختار لایه‌ای آن (ویژگی‌ها) است.

سؤال ۶۴ کدام جفت از تکنیک‌های زیر در متن استفاده شده است؟ پاسخ: ۳

دلیل پاسخ: متن فرایند همجوشی هسته‌ای هیدروژن به هلیوم و تولید نور را توصیف کرده و لایه‌های خورشید را طبقه‌بندی می‌کند (هسته، ناحیه تابشی، فتوسفر، کرنا).

رد گزینه‌ها: متن شامل واژه‌شناسی تاریخی (Etymology)، اختصار (Acronym) یا خاطره شخصی (Personal anecdote) نیست.

سؤال ۶۵ این متن اطلاعات کافی برای پاسخ به کدام یک از سوالات زیر را ارائه می‌دهد؟ پاسخ: ۴

دلیل پاسخ: متن به ترکیبات جرم خورشید (هیدروژن و هلیوم، مورد II) و محل واکنش‌های همجوشی (هسته، مورد III) اشاره کامل کرده است. زمان رسیدن نور به زمین (مورد I) در متن نوشته نشده است.

متن ۳

سؤال ۶۶ کلمه زیر خطدار «abstract» در پاراگراف ۱ از نظر معنایی به کدام گزینه نزدیک‌تر است؟ پاسخ: ۲

دلیل پاسخ: در عبارت «abstract the rules of their language»، فعل abstract در نقش فعل تخصصی زبان‌شناسی به معنای «استخراج کردن قواعد انتزاعی» است که معادل دقیق آن extract می‌باشد.

رد گزینه‌ها: summarize (خلاصه کردن)، improve (بهبود دادن)، explicate (توضیح دادن).

سؤال ۶۷ چرا نویسنده به عبارت «Is the boy who sleeping is dreaming about a new car?» در پاراگراف ۳ اشاره کرده است؟ پاسخ: ۲

دلیل پاسخ: نویسنده جمله «Give me other one spoon» (خطایی که کودکان واقعاً مرتکب می‌شوند) را در تضاد با جمله ساختگی و غیرممکن «Is the boy who sleeping is dreaming» قرار می‌دهد تا نشان دهد کودکان تنها انواع خاصی از خطا را مرتکب می‌شوند، نه هر خطای ممکن؛ این الگوی گزینشی نشان می‌دهد فراگیری زبان بر پایه قواعد دستوری است، نه صرفاً تقلید یا تقویت محیطی — و همین موضوع کافی نبودن آن نظریه‌ها را برجسته می‌کند.

سؤال ۶۸ طبق متن، کدام یک از عبارت‌های زیر درست نیست (نادرست است)؟ پاسخ: ۴

دلیل پاسخ: این گزینه با متن مغایرت دارد: پاراگراف پایانی صراحتاً می‌گوید نظریه‌های مبتنی بر ورودی خاص (از جمله imitation و reinforcement) بیش از حد لازم بر نقش محیط (environment) تاکید می‌کنند، نه اینکه نقش محیط را ناچیز بشمارند؛ بنابراین این گزینه نادرست (NOT true) است.

سؤال ۶۹ کدام یک از عبارت‌های زیر را می‌توان به‌بهترین شکل از متن استنباط کرد؟ پاسخ: ۱

دلیل پاسخ: طبق پاراگراف دوم، کودکان در فرهنگ‌هایی که از motherese استفاده نمی‌شود نیز زبان را یاد می‌گیرند؛ پس این شیوه صحبت، موتور محرکه اصلی رشد زبانی نیست، هرچند می‌تواند در جلب توجه یا آرام کردن کودک مفید باشد.

سؤال ۷۰ جمله زیر در کدام یک از موقعیت‌های مشخص‌شده با [1]، [2]، [3] یا [4] می‌تواند به‌بهترین نحو در متن قرار گیرد؟ پاسخ: ۳

دلیل پاسخ: جمله «Adults seem to be the followers rather than the leaders in this enterprise» باید درست پیش از جمله‌ای بیاید که می‌گوید «کودک به دلیل قرار گرفتن در معرض زبان بزرگسالان رشد نمی‌کند، بلکه این بزرگسالان هستند که زبان خود را با سطح زبانی کودک تطبیق می‌دهند»، یعنی این جمله به‌عنوان جمع‌بندی/مقدمه آن ایده در موقعیت [۳] قرار می‌گیرد.